

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منبع: نویه رابنیشه سابتونگ
نویسنده: لوز ماریا د اشتفانو سولوگا د لِنکائیت Luz María De Stéfano Zuloaga de Lenkait
برگردان از: هادی مفتون
۲۳ می ۲۰۲۰

مسألة اسرائیل



اسرائیل تنها با تقسیم فلسطین با رشوه دادن به هیأت‌های نمایندگی ملل متحد به وجود آمد.

جهان نباید فراموش کند که هستی اسرائیل به عنوان یک کشور، پی‌آمد تصمیم بسیار مورد مناقشه و غیرعادی جامعه بین‌الملل در ملل متحد است و نه نتیجه اعمال حق تعیین سرنوشت انسان‌های ذینفع. شرایطی که تحت آن تقسیم فلسطین در نیویورک (۲۹ نومبر ۱۹۴۷) به وقوع پیوست، بسیار مشکوک بود. پرونده‌های رسمی اسناد روشنی را از رشوه‌گیری برخی از گروه‌های نمایندگی نشان می‌دهند:

- ۱- پرونده‌های رسمی جلسه دوم مجمع عمومی ملل متحد، نیویورک، ۲۷ نومبر ۱۹۴۷؛
- ۲- بایگانی کنگره ایالات متحده، ۱۸ دسمبر ۱۹۴۷؛
- ۳- دیلی تریبون شیکاگو، ۹ فیروری ۱۹۴۸؛
- ۴- «اسرائیل به چه قیمتی؟» A. Lilienthal - شیکاگو، ۱۹۵۳؛

بدون تقسیم فلسطین که نتیجه یک قطع‌نامه عجیب و غریب و ویرانگر جامعه بین‌المللی در ملل متحد و نه نتیجه اعمال حق تعیین سرنوشت مردم ذینفع بود، هرگز اسرائیل به عنوان یک کشور پدید نمی‌آمد. بدین طریق از ابتداء حق فلسطینیان، مبنی بر تعیین سرنوشت‌شان، کاملاً زیر پای گذاشته شد.

بیش از هفتاد سال از تقسیم فلسطین می‌گذرد، یک تقسیم ناخواسته اسفبار که به تأسیس ویژه شبه‌دولت اسرائیل انجامید، که خشونت و تجاوز و جنگ‌های مکرر در خاور نزدیک را با خود به ارمغان آورد، زیرا نه تنها جمعیت بومی، بلکه همه خلق‌ها و کشورهای منطقه مخالف آن بودند.

کشور به اصطلاح اسرائیل در عمل نه فقط خلاف خواست کشورهای عربی، بلکه همچنین خلاف خواست مردم بومی فلسطین به وجود آمد. این تأسیس حیرت‌انگیز کشور اسرائیل، ناخواسته از طرف مردم بومی و کشورهای همسایه، از آن زمان به جنگ‌های بی‌پایان، بحران‌ها و بی‌ثباتی‌های تمام منطقه انجامید. تا امروز! ملل متحد هرگز سرچشمه غلط این معضل را نشناخته است.

نگاه واقعی روشن بر به اصطلاح تأسیس کشور اسرائیل

برای درک مسأله اسرائیل در عمل به یک نگاه واقعی روشن به به اصطلاح تأسیس کشور اسرائیل نیاز است: این تأسیس درست زمانی انجام گرفت، که واشنگتن از مجمع عمومی ملل متحد درخواست کرده بود که به مسأله فلسطین رسیدگی کند.

در ۲۹ نومبر ۱۹۴۷ ملل متحد تقسیم فلسطین را به یک کشور عربی و یک کشور اسرائیلی تأیید کرد. پس از چند هفته واشنگتن دریافت که این تقسیم، با توجه به مخالفت و پیدایش ناآرامی‌های در حال رشد در میان عرب‌های منطقه که اکثریت جمعیت ساکن را تشکیل می‌دادند، تصمیمی کاملاً اشتباه و خطائی بزرگ بود.

کشورهای عربی نقشه تقسیم را به طور رسمی رد کردند. در پی آن رئیس‌جمهوری وقت ایالات متحده، پس از آن‌که کمیسیون فرستاده شده از طرف کاخ سفید از رأی منفی کلی عربی در تمام منطقه آگاه شد، از مجمع عمومی ملل متحد خواست که همچنان به بررسی مسأله فلسطین بپردازد. درست در اینجا می‌بایست یک دولت مسؤولیت‌پذیر و از نگاه تاریخی آگاه ایالات متحده و اتحادیه اروپائی به این موضوع برخورد می‌کردند و از مجمع عمومی ملل متحد می‌خواستند که با مسأله فلسطین به طور بنیادی برخورد و در تقسیم نابهنجار و بی‌قاعده فلسطین بازنگری کند.

ایالات متحده موافقت خود را برای طرح تقسیم فلسطین پس گرفت (۱۹ مارچ ۱۹۴۸). رئیس‌جمهوری ایالات متحده هری ترومن پیشنهاد کرد، در صورت خروج بریتانیای کبیر، فلسطین را تحت حمایت ملل متحد قرار دهند. بدبختانه اسرائیل در مقابل ایالات متحده ایستاد و خواست جامعه جهانی را نادیده گرفت: با وجود اقدام ویژه ملل متحد مبنی بر به تعویق انداختن اعلام استقلال، بن‌گوریون اسرائیل را کشور مستقل و خودمختار اعلام کرد (۱۴ مه ۱۹۴۸).

از نظر بین‌المللی فلسطین به طور قانونی یک سرزمین کامل در قلمرو تحت‌الحمایگی بریتانیا باقی می‌ماند

داوید بن‌گوریون همه توصیه‌های طرح تقسیم ملل متحد در ماه مه ۱۹۴۸ را نادیده گرفت. بنابراین فلسطین، بر پایه حقوق بین‌المللی یعنی به طور قانونی، کامل و تقسیم نشده در قلمرو تحت‌الحمایگی بریتانیا، که در آنجا اسرائیلی وجود نداشت و تا امروز نیز هنوز زیر سؤال است، باقی می‌ماند.

بازپس دادن زمین به فلسطین

دولت ایالات متحده زیر رهبری هری ترومن در برابر عمل انجام شده صیهونیستی تسلیم شد و در ۱۴ مه ۱۹۴۸ کشور اسرائیل را به رسمیت شناخت. ایالات متحده آمریکا از آن زمان در چنگ اسرائیل گرفتار است. لوی وسلی هندرسون Loy Wesley Henderson، سیاستمدار برجسته ایالات متحده در وزارت خارجه با به رسمیت شناختن اسرائیل از طرف ترومن مخالفت کرد. اکنون که اسرائیل به جلو می‌رود، او می‌خواست مطمئن باشد که اسرائیل مرزهای خود را تعیین می‌کند. الیاهو ایشتاین، مدیر دفتر آژانس یهودیان در واشنگتن، گزارش کاملی در این رابطه ارائه کرد: هندرسون از او پرسیده بود که آیا کشور یهودی قصد دارد سرزمین بیشتری از آنچه قطع‌نامه ملل متحد تعیین کرده است، داشته باشد. ایشتاین پاسخ داد: «نه، و هر زمین تسخیر شده که قبل از صلح گرفته شود - این‌طور تعیین شده بود - به کشور عربی پس داده خواهد شد.» اما تاریخ عکس این را نشان می‌دهد، زیرا دولت اسرائیل از آن زمان همواره رفتار کشورگشائی غارتگرانه داشته و بدون مجازات مانده است.

بریتانیای کبیر باید با تمام قدرت از جامعه ملل بخواهد دوباره به مسأله فلسطین بپردازد

بریتانیای کبیر به عنوان عضو شورای امنیت ملل متحد و مسوول وقت فلسطین می‌تواند و باید با تمام قدرتش از ملل متحد بخواهد، بار دیگر به مسأله فلسطین بپردازد و تمامیت ارضی کشور را که طبق قانون *de jure* هنوز پابرجاست، دوباره برقرار سازد.

بریتانیای کبیر این را به جامعه بین‌الملل مدیون است که وضعیت منحرف شده و به بن‌بست رسیده در منطقه تحت‌الحمایگی سابق خود را تصحیح کند و به عنوان کشوری مستقل و بدون عضویت در اتحادیه اروپائی اکنون به بهترین وجه آمادگی اعمال حاکمیت کامل خود را برای این‌کار دارد. لندن باید به ملل متحد مأموریت دهد که یکپارچگی فلسطین را طبق قانون *de jure* تأیید کند. یک قطع‌نامه جدید مجمع عمومی ملل متحد برای این کار ضروری است. برای برداشتن این گام باید همین‌طور به دادگاه بین‌المللی ملل متحد در لاهه رجوع کرد.

لندن از ابتداء مخالف تأسیس یک کشور یهودی در فلسطین بود

داونینگ ستریت Downing Street هرگز با صیهونیست‌ها زیاد دوست و نزدیک نبود. نباید فراموش کرد که چگونه باندهای ترور صیهونیستی به نمایندگی‌های دولت بریتانیا و بازرگانان بریتانیائی در فلسطین حمله می‌کردند و آن‌ها را می‌کشتند. لندن از ابتداء مخالف تأسیس یک کشور یهودی در فلسطین بود. پیش از همه وینستون چرچیل، در آن زمان دبیر مستعمرات بریتانیای کبیر، کاملاً آگاه بود که باید از ابتداء از رشد نطفه هر مسأله احتمالی جلوگیری کرد. به این دلیل او نمی‌خواست از به اصطلاح «ادعای قانونی» یهودیان در مورد فلسطین چیزی بداند. متفقین [جنگ جهانی دوم] درک کرده بودند که آنچه می‌بایست برای یهودیان انجام شود، فقط به دلایل عاطفی انجام می‌شد. یعنی ضروری بود که برای صیهونیست‌ها در فلسطین فضاء برای زندگی فراهم کنند، ولی این به معنای آن نبود که وضعیت را طوری تغییر دهند انگار که تمام سرزمین وطن آن‌ها است. ولی بریتانیای کبیر سرانجام وقتی که ابعاد عظیم کشتار جمعی دهشتناک یهودیان در سراسر جهان شناخته شد، کشور اسرائیل را به رسمیت شناخت. می‌توان پشیمانی آن زمان انگلیس را تصور کرد، زیرا لندن با کوچ یهودیان [به سرزمین فلسطین] مخالفت بود.

روشن است که همه خلق‌ها می‌توانستند مانند دوران پیش از جنگ ۱۹۱۴ با حقوق برابر در فلسطین زندگی کنند، مانند زمانی که میان مردم سوریه و فلسطین مرزی وجود نداشت. «سال ۱۹۴۸ همه چیز تغییر کرد. در طبریه Tiberias مسلمانان، مسیحیان و یهودیان از سده‌ها پیش در کنار هم زندگی کرده بودند. ولی نه خیزش بزرگ فلسطینیان به ضد تحت‌الحمایگی بریتانیا و به ضد کوچ‌نشینی فزاینده به وسیله کوچندگان یهودی و نه نبرد استقلال‌طلبانه یهودیان به ضد بریتانیائی‌ها و عرب‌ها در سال‌های ۱۹۳۶-۳۹، جلوی دروازه‌های شهر متوقف نمی‌شد. واحدهای رزمی صیهونیستی از طرف فرانسه حمایت می‌شدند. ... بریتانیائی‌ها که در پی‌آمد جنگ جهانی دوم ضعیف شده بودند، کوشیدند خود را از فلسطین رها سازند.

در ۲۹ نومبر ۱۹۴۷ مجمع عمومی ملل متحد با قطع‌نامه شماره ۱۸۱ ملل متحد (II) خلاف خواست اعلام شده کشور‌های عربی، به تقسیم فلسطین رأی داد. ... بی‌درنگ پس از آن جنگ نابرابری درگرفت. ... هدف حمله‌های صیهونیست‌ها، گسترش مرزهای تعیین شده ملل متحد تا حد امکان بود. شهرک‌های روستائی و مناطق پیرامونی آن‌ها تسخیر و ویران شدند. ... در اپریل ۱۹۴۸ نقشه به اصطلاح *Plan Dalet*، به معنای بیرون راندن فلسطینیان محلی به وسیله هاگانا (Haganah) [دفاع، سازمان شبه‌نظامی غیرعلنی صیهونیستی در هنگام تحت‌الحمایگی بریتانیا در فلسطین (۱۹۴۸ تا ۱۹۲۰) -م.] به اجراء درآمد... روستاها را آتش زدند، و برای آن‌که از بازگشت مردم جلوگیری

کنند، خانه‌ها را منفجر و مین‌گذاری کردند. ... این کار علامت شروع برای راندن کل جمعیت عرب - چه مسیحی و چه مسلمان - از منطقه غرب الجلیل (Galiläa) بود. بین ۲۸ اپریل و ۱۴ مه (۱۹۴۸) همه روستاها و شهرهای عربی، همچنین طبریه، با خشونت «از عرب‌ها پاکسازی شد»... (قابل توجه است که این خشونت صیہونیستی اندکی پیش از تأسیس اسرائیل و پیش از حمله کشورهای عربی صورت گرفته بود. d.A.) وقتی که کشور اسرائیل (۱۴ مه) ۱۹۴۸ با زور و خشونت تأسیس شد، باشندگان اصلی به شمال و به لبنان گریختند، واحدهای رزمی صیہونیستی سرزمین آن‌ها را اشغال کردند.» (Die Katastrophe von Karin Leukefeld, Junge Welt 15.5.18) این جنایت را با چه چیزی باید مقایسه کرد؟

تاریخ را بر مبنای فلسطین اصیل و نخستین تصحیح کنیم

و تقسیم فلسطین به وسیله یک قطعنامه ناموفق ملل متحد که علیه اکثریت ساکنان فلسطین و کشورهای همسایه انجام گرفت، باید حتماً با قطعنامه دیگری از جامعه ملل، مطابق با وضعیت خاور نزدیک و با توجه به رفتار خلاف قوانین بین‌المللی یک شبه‌کشور نامشروع بازنگری شود. نه تنها لندن، بلکه همچنین تمام کشورهای اتحادیه اروپایی باید کوشش کنند تاریخ را با توجه به حقوق فلسطین نخستین تصحیح کنند. اسرائیل با اعمال جنایت‌بار خود و امتناع سرسختانه از احترام به [خواست] جامعه جهانی، حق وجود خویش را به عنوان یک کشور باطل می‌کند. حق کاملاً با جان کُرنبلوم John Kornblum، سفیر پیشین ایالات متحده در المان بود، وقتی که اظهار داشت: کشور اسرائیل «بر پایه صیہونیسیم و از بی‌عدالتی کشورهای ما» به وجود آمده است. (فرستنده تلویزیونی باواریا Münchner Runde ۱۶ مه ۲۰۱۸). در مورد مسأله اسرائیل باید از ابتداء حق و ناحق، بدون پیشداوری گفته شود.

انگیزه صیہونیستی در سرقت سرزمین برای «اسرائیل-بزرگ»

«و این‌که اسرائیل نه صلح، بلکه فقط زمین می‌خواهد، چیز نوی نیست، به عکس، این انگیزه دولت صیہونیستی در سرقت سرزمین برای "اسرائیل بزرگ" از زمان تأسیس این کشور آشکار بوده است.» از جمله میلیاردها دالر کمک ایالات متحده بود که از "کشور یهودی" چیزی پدید آمد، که امروز هست. "کشور یهودی" به یک رژیم فاشیستی راست افراطی فربه تبدیل شد که به خیال خود "تنها دمکراسی خاور نزدیک" است و همه جای به عنوان دژ غرب علیه تروریست‌های مسلمان (یعنی: علیه دنیای عرب) سخن‌پراکنی می‌کند و اجازه دارد بدون مجازات به اشغال غیرقانونی فلسطین، که خلاف حقوق بین‌الملل است، ادامه دهد.» (,, Wenn die Stunde der Führer schlägt!“ von Evelyn Hecht-Galinski, 4.1.2017)

یک سیاست خارجی عادلانه خاور نزدیک باید از کجا آغاز شود

بنابراین می‌بینیم که چگونه اسرائیل از همان آغاز تأسیس خود به عنوان کشور در برابر خواست جامعه جهانی ایستاده و رفتار کرده است. آیا این کار مشروع بود؟ آیا تأسیس کشور اسرائیل در میان سرزمینی که اکثریت جمعیت ساکن آن، مخالف تشکیل آن بود، بیش‌تر یک بی‌عدالتی بنیادی نبود؟ یک سیاست خارجی عادلانه خاور نزدیک باید از اینجا حرکت کند. و رژیم اسرائیل با نیرنگ، دروغ و همه نوع ترفندهای خائنه کار می‌کند و هر انتقادی به کردار نادرست جنایتکارانه خود را به عنوان یهودی‌ستیزی بدنام و رد می‌کند. دولت برلین، به جای رد این بازی شرربار و دروغین، شخصی را به عنوان سرپرست امور ضد یهودی‌ستیزی منصوب می‌کند، که چون بازوی دراز

رژیم اسرائیل عمل می‌کند، در برابر این اقدام، فراخوان و نامه سرگشاده مهمی از سوی دانشمندان و هنرمندان یهودی از اسرائیل خطاب به وزیر کشور المان، زهوفر Seehofer با یک رونوشت برای صدراعظم مرکل Merkel فرستاده شد. در این نامه از دولت المان خواسته شده که فلیکس کلاین (Felix Klein)، سرپرست امور ضد یهودی‌ستیزی برکنار گردد.

این فراخوان با واقعیت فعلی در المان و اروپا، آن‌طور که آوی پریمر (Avi Primor)، روزنامه‌نگار و سفیر سابق اسرائیل در برلین آن را شناخته بود، مطابقت دارد: «پریمر بر این باور است که به اندازه کافی از طرف غرب و از خارج فشار "دردآور" بر اسرائیل اعمال نمی‌شود، که ناشی از ترس فزاینده از - و دشمنی با مسلمانان و عرب‌ها است. در عین حال او در مصاحبه آژانس خبری کاتولیک (KNA) در سال ۲۰۱۷، اعتراف کرد که "موضع رسمی دولت اسرائیل تقریباً هر انتقادی را یهودی‌ستیزی" اعلام می‌کند. بدین شیوه از برخورد جدی با انتقاد ظفره می‌رود و با این کار در "نزد بخش خاصی از مردم همیشه مورد قبول واقع می‌شود." این دیپلمات برتر در خاتمه گفت که در سال‌های گذشته یهودی‌ستیزی در المان و اروپا بیش‌تر نشده است.»

و در رابطه با مناطق اشغالی مانند بلندی‌های جولان و شرق اورشلیم اسرائیل موظف به بازپس دادن این سرزمین‌ها و پایان دادن به اشغال غیرقانونی است. رهبر هیچ کشوری در جهان آماده نیست منطقه اشغال شده از کشور خود را به آسانی از دست بدهد، همچنین هیچ رئیس‌جمهوری در سوریه هرگز از بخش اشغال شده بلندی‌های جولان به وسیله اسرائیل که از نظر قوانین بین‌الملل بی‌چون و چرا به کشور سوریه تعلق دارد، گذشت نخواهد کرد. هیچ‌کس اجازه ندارد مناطقی را به اشغالگری که غیرقانونی شناخته شده است و یا به تجاوزگر و جنگ‌طلبی که واقعیت‌های سیاسی و مذهبی این منطقه را تا این حد نادیده می‌گیرد، ببخشد.

به نظر می‌رسد که مسأله اسرائیل با وجود دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری ایالات متحده، که سیاست اعمال قدرت اسرائیل را تأیید می‌کند و دست رژیم نتانیا‌هو را در بی‌قانونی‌های پیوسته‌اش باز می‌گذارد، حادث‌تر شده باشد. بدین ترتیب اسرائیل شهرک‌سازی غیرقانونی را ادامه داده و جهان را در مقابل عمل انجام شده قرار می‌دهد.

تارنگاشت عدالت